

نویسنده: مایکل پارنتی (۱)

برگردان: احمد جواهریان

## جهانی سازی و دموکراسی

هدف شرکت‌های فراملیتی، قرار گرفتن بر فراز همه‌ی قدرت‌ها در سراسر جهان و به خدمت گرفتن دولت‌ها در جهت منافع خود است. سیریل سیوورت، مدیر مالی شرکت کلگیت، زمانی که می‌گوید: آمریکا برای استفاده از امکانات شرکت‌های ما، چک سفیدی در دست ندارد، دلیلی ندارد که منافع این کشور در اولویت کار ما قرار داشته باشد. در واقع از زبان تمامی شرکت‌های فراملیتی صحبت می‌کند.

موافقت‌نامه‌های جهانی «تجارت آزاد» مانند نفتا، گات و فتا شرکت‌های غول‌پیکر فراملیتی را حاکم بر کشورها کرده است. این موافقت‌نامه‌ها به کمیته‌های تجارت جهانی غیرعلنی خود قدرت عظیمی داده‌اند. آن‌ها مجازند در کشورهایی که می‌خواهند از امتیاز ویژه‌ی سرمایه‌گذاری و بازار شرکت‌های جهانی استفاده برند، دخالت کرده، مانع اجرا، رد و یا تضعیف قوانین شوند. کمیته‌های تجارت - که معروف‌ترین آن‌ها در سازمان تجارت جهانی (دبلیو تی او) سازمان‌یافته - هیات‌هایی را از میان «متخصصان تجارت» برای نظارت بر مسایل اقتصادی تشکیل داده است. وظیفه‌ی آن‌ها که خود را فرای قانون و کنترل جمعی هر ملتی می‌دانند، آن است که از حاکم شدن سرمایه‌ی مالی جهانی اطمینان حاصل کنند. این فرآیند یعنی جهانی سازی مانعی است بر سر راه بهره‌مند شدن همگان از یک «رشد اقتصادی» طبیعی. این عمل را در واقع چیزی جز کودتایی جهانی برای تامین منافع غول‌های تجارت جهان نمی‌توان تلقی کرد.

این هیات‌ها که نه منتخب مردمند بلکه منتخب شرکت‌ها هستند، جلساتی غیر علنی تشکیل می‌دهند و موضوع‌هایی را مورد بررسی و قضاوت قرار می‌دهند که اغلب در آن منافع شخصی دارند و هیچ مانعی هم بر سر راه این هیات‌ها برای رسیدن به منافعی که نیست. در قوانین و محدودیت‌های پنج هزار صفحه‌ای گات، حتی یک صفحه علیه شرکت‌های خصوصی نیست، بلکه تمامی آن علیه دولت‌هاست. دولت‌های امضاکننده باید تعرفه‌ها را کاهش دهند، یارانه‌های کشاورزی را قطع کنند، با شرکت‌های خارجی و داخلی رفتار یک‌سانی داشته باشند و تمامی حقوق انحصاری ثبت اختراعات (پتنت) شرکت‌ها را محترم بشمارند و حاکمیت دائمی بوروکراسی نخبگان جهان یعنی دبلیوتی او را قبول کنند. اگر کشوری در مقابل دستور دبلیوتی او مبنی بر تغییر قانون مقاومت نشان دهد، دبلیوتی او می‌تواند آن کشور را جریمه کند و یا وی را در محاصره‌ی تجارت جهانی قرار دهد و آن را از بازار و مواد موردنیازش محروم سازد.

دبلیوتی او هم چون قاضی برتر جهان است و علیه قوانینی که «سوانع تجارت آزاد» هستند، قوانینی به تصویب می‌رساند. این سازمان ژاپن را وادار کرد که در غذاهای وارداتی خود، میزان سم باقی‌مانده‌ی بیش‌تری را قبول کند و از گواتمالا در مقابل تبلیغ دروغین و غیرقانونی غذای کودکان حمایت کرد. این سازمان محدودیت استفاده از پنبه‌ی نسوز، کنترل میزان سوخت اتومبیل و استاندارد دود آگروز ماشین‌ها در کشورهای مختلف را لغو کرد و علیه قوانین حمایت از حیوانات آبی و محدودیت بهره‌برداری از گونه‌های در معرض انقراض، قانون صادر کرد. ممنوعیت اتحادیه‌ی اروپا در وارد کردن گوشت‌های هورمونی آمریکا، که با پشتیبانی مردم همراه بود را سه عضو هیات دبلیوتی او محدودیت غیرقانونی بر تجارت دانستند. این تصمیم دیگر قوانین واردات مواد غذایی در مورد گوشت گاو را که بر اساس ملاحظات بهداشتی تنظیم شده بود، در معرض خطر قرار داد. دبلیوتی او قسمتی از قانون هوای سالم آمریکا، که برخی افزودنی‌ها در گازوییل را ممنوع اعلام کرده بود، تغییر داد زیرا بر مساله‌ی واردات از پالایشگاه‌های خارجی تاثیر سوء می‌گذاشت و آن بخش از قانون‌گفته‌های در خطر آمریکا که واردات می‌گویی صیدشده با تور را برای محافظت از لاک‌پشت‌های دریایی ممنوع کرده بود، تغییر داد.

تجارت آزاد، تجارت منصفانه‌ای نیست. این تجارت به‌هزینه‌ی کشورهای ضعیف، در خدمت کشورهای قوی و تامین‌کننده‌ی منافع ثروتمندان به‌هزینه‌ی مردم کوچه و بازار است. جهانی‌سازی به‌معنای از دست‌دادن رفم‌های بسیاری است که در طول سده‌ی بیست به‌دست آمده از جمله تحریم فرآورده‌ها، ممنوعیت کار کودکان، تضمین حقوق و مزایا و خدمات عمومی که ممکن است در رقابت با خدمات بخش خصوصی باشد، مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی که ممکن است سود شرکت‌ها را کاهش دهد، می‌باشد. گات و به دنبال آن موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد به شرکت‌های فراملیتی اجازه‌ی اعمال حق مالکیت انحصاری بر کشاورزی بومی و محلی را می‌دهد. از این راه کشاورزی تجاری راحت‌تر می‌تواند بر روی جوامع بومی خودکفا چنگ بیندازد و منابع آن‌ها را به انحصار خود درآورد. در این زمینه رالف نادر درخت نیم را مثال می‌زند که شیرهی آن دارای خواص حشره‌کش طبیعی و دارویی است. این درخت سده‌ها در هند کشت می‌شده، توجه چندین شرکت بزرگ داروسازی را به خود جلب کرده است. اعلام پتنت انحصاری شرکت‌ها موجب اعتراض دسته جمعی کشاورزان هندی شد. براساس تصمیم دلیوتی او شرکت‌های داروسازی کنترل کامل بازار فرآورده‌های درخت نیم را به‌دست گرفته‌اند و این تصمیمی است که باوجود مخالفت مردم، در هند اعمال می‌شود. در نتیجه ده‌ها هزار کشاورزی که زمانی برای خودکار می‌کردند، اکنون باید برای شرکت‌های دارویی قدرتمند و برای تامین منافع خریصانه‌ی آن‌ها کار کنند.

موافقت‌نامه‌ی تجاری بین هند و آمریکا (ک آی ۱) که مونساتو و سایر شرکت‌های فراملیتی در پشت آن جمع شده‌اند، اجازه می‌دهد که مونساتو بر بخش دانه‌ها، شرکت آرچر دانیل میدلند و کارگیل بر بخش تجارت و وال مارت بر بخش خرده‌فروشی هند چنگ بیندازند. (وال مارت اعلام کرده که از اوت ۲۰۰۷ برنامه‌ی تاسیس ۵۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای را در هند دارد.) و این جنگی علیه کشاورزان و بازاریان و تهدیدی بر امنیت غذایی هند است. کشاورزان با استفاده از دانه‌های سنتی و برقراری سیستم پشتیبانی کشاورزی گروهی در مقابل این هجوم اقتصادی از خود محافظت می‌کنند. یکی از کشاورزان می‌گفت: «ما از بازار دانه نمی‌خریم، زیرا می‌ترسیم که این دانه‌ها با مهندسی ژنتیکی و یا بذره‌ای ترمیناتور آلوده شده باشند.»

به همین روش، دیپلوتی او حکم کرد که شرکت رایس تک آمریکایی از حق پتنت تمامی انواع برنج باسماتی که سده‌ها در مزارع هند کشت می‌شد، برخوردار است. این سازمان همچنین حکم کرد که یک شرکت ژاپنی تنها شرکتی است که حق به‌عمل آوردن و تولید پرور کاری را در دنیا دارد. همان‌طور که این مثال‌ها نشان می‌دهد، «تجارت آزاد» به معنای واقعی یعنی کنترل انحصاری شرکت‌های جهانی بر همه چیز. این نوع توسعه باعث شد که نخست وزیر مالزی ماهاتیر محمد اعلام کند: «ما در شرایطی هستیم که دزدان منابع ژنتیکی، یعنی شرکت‌های بیوتک فراملیتی غربی، با تولید پتنت ژن جهش داده‌شده از مواد، سودهای نجومی می‌برند. غرق‌شدن در ساز و کار بازار جهانی یعنی از نعمات مادی فقرا محافظت نشود، اما شکل اصلاح‌شده‌ی همین نعمات جزو دارایی ثروتمندان محسوب شود؟» با روش موجود کشورهای ثروتمند، جهانی سازی یعنی از بین بردن مرز کشورها و بازگذاشتن دست کشورهای دارای کالا و سرمایه برای تسلط یافتن بر بازارها.

تحت مراقبت‌نامه‌های تجارت آزاد مانند گات و فتا، تمامی خدمات عمومی در معرض تهدید قرار می‌گیرند. خدمات عمومی می‌توانند به دلایلی مانند «از بین بردن فرصت بازار» و یا «ارایه یارانه‌ی غیرمنصفانه» مورد اتهام قرار گیرند. برای مثال برنامه‌ی بیمه‌ی اتومبیل تک پرداخت که ایالت انتاریوی کانادا آن را پیشنهاد کرده بود، «رقابت غیرمنصفانه» اعلام شد. انتاریو تنها زمانی می‌تواند بیمه‌ی اتومبیل عمومی خود را داشته باشد که ضرر تخمینی اکنون و آینده‌ی شرکت‌های بیمه‌ی آمریکایی را به آن‌ها پرداخت کند، هزینه‌ی فوق‌العاده‌ای که ایالت انتاریو توان تقبل آن را ندارد. بنابراین شهروندان انتاریو اجازه ندارند که از حق دموکراتیک خود برای تاسیس سیستم بیمه‌ی خودرو غیرانتفاعی بهره‌مند شوند<sup>(۱)</sup>. در موردی دیگر، سرویس بستی یوپی‌اس اداره‌ی پست کانادا را متهم به «از بین بردن فرصت بازار» کرده است. بدین معنا که تحت مقاوله‌نامه‌ی تجارت آزاد اداره‌ی پست کانادا بابت تمام کارهایی که اگر پست دولتی نبود، یوپی‌اس

---

۱- در این ایالت هر کس ممکن است از ۵ تا ۱۰٪ حقوقش را بابت بیمه‌ی اتومبیل بپردازد که بهره‌برداری از مزایای آن نیز هزینه‌های بزرگ دیگری را به دنبال خواهد داشت.

انجام می‌داد، باید به آن شرکت خسارت پردازد. اما کارکنان اداره‌ی پست کانادا این مورد را به دادگاه کشاندند و مدعی شدند که این موافقت‌نامه بر خلاف قانون اساسی کانادا است.

تحت موافقت‌نامه‌ی نفتا، شعبه‌ی شرکت اتیل در آمریکا از دولت کانادا به علت «از بین بردن فرصت کسب» و «مداخله در تجارت» درخواست ۲۵۰ میلیون دلار خسارت کرده است، زیرا کانادا استفاده از ام‌تی تولیدی این شرکت را که اداره بهداشت کانادا سرطان‌زا اعلام کرده، در گازوییل ممنوع کرد. دولت کانادا از ترس محکوم شدن به پرداخت این جریمه، کوتاه آمد و با این که شواهد علمی چیز دیگری را نشان می‌داد، ام‌تی را «بی‌خطر» اعلام کرد و ممنوعیت استفاده از آن را لغو کرد و در ضمن ۱۰ میلیون دلار هم به این شرکت غرامت داد. ایالت کالیفرنیا نیز استفاده‌ی غیربهداشتی از این افزودنی را ممنوع اعلام کرد و این بار شعبه‌ی شرکت اتیل در کانادا تحت موافقت‌نامه‌ی نفتا به علت ایجاد مانع بر سر راه تجارت آزاد، از کالیفرنیا درخواست غرامت کرد.

موافقت‌نامه‌های جهانی تجارت آزاد مانند گات و نفتا به شرکت‌ها کمک کردند تا در به دست گرفتن بازارهای محلی، بیرون راندن تجارت‌های کوچک و از بین بردن تشکل‌های کارگری سریع‌تر عمل کنند. زمانی که کارخانه‌های آمریکا با تکیه بر موافقت‌نامه‌ی نفتا بسته شدند و به بازار کار ارزان‌تر مکزیک نقل مکان یافتند، شغل‌های با دستمزد بالا در آمریکا از بین رفت. در همان زمان هزاران شرکت کوچک مکزیک تعطیل شدند و بازار کار مکزیک پر شد از نیروی کار متخصص ارزان و فرآورده‌های لپتی و ذرتی شرکت‌های غول پیکر آمریکایی (که دولت آمریکا به آن‌ها یارانه می‌پردازد) این امر باعث شد کشاورزان و توزیع‌کنندگان خرده‌فروشی مکزیک به ورشکستگی کشانده شوند و جمعیت عظیمی از دهقان در فقری مرگ‌آور دست و پا بزنند. پیشنهاد شرکت‌های آمریکایی تازه وارد به مکزیک چه بود؟ کارهایی با حقوق بسیار اندک و شرایط کاری طاقت‌فرسا و خطرناک. تجارت آزاد در مجموع به میزان وحشتناکی به فقر مناطق جنوبی در قاره‌ی آمریکا افزوده است.

آن‌ها به ما آمریکایی‌های شمالی می‌گفتند برای باقی ماندن در عرصه‌ی رقابت، باید در ضمن افزایش فرآورده‌های خود، از هزینه‌ی نیروی کار و تولید خود بکاهیم. به زبانی

دیگر، کاری بیشتر و دستمزدی کم‌تر. در واقع از زمانی که طول هفته‌ی کاری ۲۰ درصد انزایش یافته (ساعات کار از ۴۰ ساعت به ۴۶ و حتی ۴۸ ساعت در هفته رسیده است)، این عمل اتفاق افتاده است، چرا که در دوران حکومت بوش، حقوق واقعی ثابت مانده و یا کاهش یافته است و این درحالی است که ما از خدمات اجتماعی کم‌تری برخورداریم، امتیازاتمان را از دست می‌دهیم و تغییرات ساختاری، آزادسازی و خصوصی‌سازی بیش‌تری را تحمل می‌کنیم. ما باید با چنین تغییراتی امیدوار باشیم که در عوض داریم با یک جهانی‌سازی بی‌روح و ضدانسانی خودمان را تطبیق می‌دهیم. جهانی‌سازی که ما را مانند زباله جارو می‌کنند و دور می‌ریزند.

در واقع هیچ چیز نیست که این نیروها آن را مربوط به خود ندانند. موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، از جمله جدیدترین آن که هنوز به تایید کنگره‌ی آمریکا نرسیده، به‌طور آگاهانه به‌وسیله‌ی شرکت‌های بزرگ و دولت‌های در خدمت آنان برای پی‌گیری آزادسازی اقتصاد جهان طرح‌ریزی می‌شود و تمامی نظارت‌های مردمی بر کسب و کار را از اهمیت می‌اندازد. مردم در هر استان و ایالت و کشوری درمی‌یابند که وادار کردن حکومت به اعمال قوانین محافظتی و یا ایجاد شکل‌های جدیدی از خدمات دولتی بدون ترس از نقض شدنشان در هیات‌های ناظر تجارت آزاد هر لحظه سخت و سخت‌تر می‌شود.

کشورهای بزرگ به‌طور معمول از کشورهای فقیر و ضعیف می‌خواهند تا از برنامه‌های حفاظتی و یارانه‌ای برای تولیدکنندگان محلی خود چشم‌پوشی کنند. اما گاه چیزها به صورت دیگری اتفاق می‌افتد. در اواخر سال ۲۰۰۶ کانادا شکایتی را به سازمان تجارت جهانی ارائه کرد که در آن آمریکا را به «نقض قوانین تجاری» با پرداخت مبلغ متناهی یارانه‌ی کشاورزی به شرکت‌های زراعی و مزارع پرورش ذرت محکوم می‌کرد. این شکایت تمامی ساختار یارانه‌ای کشاورزی چندین میلیارد دلاری دولت آمریکا را به چالش طلبید. این دادخواست به تصمیم دبلیوتی او در سال ۲۰۰۵ اشاره داشت که «نقض قوانین تجاری» در کمک به پنبه‌کاران آمریکا را محکوم کرده بود. اکس فام جهانی اعلام کرد که در نتیجه‌ی نقض قوانین تجاری با یارانه‌هایی که آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا به کشاورزان می‌پردازند، دست‌کم ۳۸ کشور در حال توسعه به شدت آسیب دیده‌اند. در

همان حال، دولت آمریکا توطئه می‌چید که بند مخصوصی را در مذاکرات تجاری جا دهد تا استفاده‌ی غیرقانونی وی از یارانه‌های کشاورزی را ورای دعوای کشورهای عضو دلبیوتی او قرار دهد تا یارانه‌ها را در مقابل تصمیمات قانونی که دلبیوتی او به واسطه‌ی این دعوا می‌گیرد، ایمن کند.

نفتا و گات در تضاد با قانون اساسی آمریکا قرار دارند و این چیزی است که به ندرت به آن اشاره می‌شود. مقدمه‌ی قانون اساسی روشن می‌سازد که قدرت حاکمه را از آن مردم می‌داند: «ما مردم ایالات متحد... این قانون اساسی را تنظیم و در ایالات متحد آمریکا برقرار می‌سازیم.» ماده‌ی اول بخش نخست قانون اساسی آمریکا می‌گوید: «کنگره‌ی ایالات متحد تنها مرجع قانون‌گذار است.» ماده‌ی اول، بخش هفتم به رئیس‌جمهور (نه به هیات‌های تجاری) قدرت و تو کردن قانون را می‌دهد، مگر با تصویب دو سوم آرای کنگره. و ماده‌ی سوم قدرت بازبینی و تصمیم‌گیری رسمی را به دادگاه عالی و سایر دادگاه‌های فدرال وا گذاشته است که کنگره تعیین می‌کند. دهمین اصلحیه بر قانون اساسی می‌گوید: «اختیاراتی که بر اساس قانون اساسی به ایالات متحد داده نشده، و یا در آن ممنوع نشده، بر عهده‌ی ایالت‌هاست و یا برای مردم محفوظ باقی می‌ماند.» در تمامی قانون اساسی چیزی نیست که به هیات تجارت جهانی اجازه دهد که قاضی نهایی و تجدیدنظرکننده‌ی نهایی باشد و تصمیم‌های قانون اساسی، قوه‌های مجریه، مقننه و قضاییه را نادیده بگیرند. این درست است که ماده‌ی نهم می‌گوید: قانون اساسی، قانون‌های فدرال و پیمان‌نامه‌ها «باید بالاترین قانون‌های این سرزمین تلقی شوند» اما بی‌تردید منظور آن نبوده که پیمان‌نامه‌های ناقض قوانین و قدرت مردم و نمایندگان آن‌ها را قانونی جلوه دهد.

اما برای این‌که مجلس سنا از بررسی دقیق این پیمان‌نامه‌ها کنار گذاشته شود، نفتا و گات را به جای پیمان‌نامه «موافقت‌نامه» نامیده‌اند. انتخاب رندانه‌ی این واژه به رئیس‌جمهور کلینتون اجازه داد، سد دو سوم رای برای تایید پیمان‌نامه‌ها را در سنا دور بزند و از اصلاح آن‌ها فرار کند. سازمان تجارت جهانی در روزهای پایانی کار کنگره بعد از انتخابات سال ۱۹۹۴ تایید شد. هیچ‌کس در این انتخابات به رای دهندگان نگفت، با این تصمیم، دولت آمریکا زیر بار یک تعهد همیشگی می‌رود مبنی بر این‌که قوانین ملی اش

نباید با تصمیم‌های تجارت آزاد جهانی تضادی داشته باشد. جهانی سازی گسترش منطقی امپریالیسم است، پیروزی امپراتوری بر جمهوریت، سرمایه‌ی مالی جهانی بر تولید ملی و دموکراسی کشوری (و این، آن چیزی است که شاهدش هستیم).

به تازگی، در اثر اعتراض‌های عمومی، چندین موافقت‌نامه‌ی تجاری چند جانبه متوقف شده و یارای نیاورده است. در ۱۹۹۹، تظاهرات پُرشوری علیه تجارت آزاد در ۴۱ کشور از بریتانیا و فرانسه گرفته تا تایلند و هند صورت گرفت. در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تظاهراتی در سیاتل، واشنگتن، سیدنی، پراگ، جنوا و سایر جاها برگزار شد. در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ شاهد بودیم که کشورهای فقیر دید عاقلانه‌تری نسبت به فریب تجارت آزاد پیدا کردند و از امضا و از دست دادن حق حاکمیت بر باقی مانده‌ی چیزهایی که هنوز در اختیار داشتند، سر باز زدند. همراه با مقاومت مردمی، رهبران بیش‌تری پیش از امضای موافقت‌نامه‌های جدید، به تفکر عمیق پیرامون آن پرداخته‌اند.

بحث جهانی سازی در میان برخی از مارکسیست‌ها (نه همه‌ی آن‌ها) به بررسی این پرسش خلاصه شده که آیا «جهانی» شدن جدید سرمایه، حکومت ملی و دولت - ملت‌ها را تحلیل می‌برد. آن‌ها بدون این‌که به موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و سازمان تجارت جهانی پردازند، تنها بر روی این موضوع متمرکز شده‌اند. این تحلیل‌گران (برای نمونه الن وود و ویلیام تاب در مانتلی ریویو، یان جاسپر در «طبیعت، جامعه و تفکر»، اروین مارکویت در پلیتیکال افیرز) به این نتیجه رسیده‌اند که دولت - ملت‌ها نقش کلیدی در امپریالیسم سرمایه‌داری بازی می‌کنند، سرمایه‌هاگرچه با دامنه‌ی جهانی - بین‌المللی نیست، بلکه مربوط به کشورهای خاصی است، و جهانی سازی چیزی جز یک نام دیگر برای سرمایه‌داری انحصاری برون مرزی نیست.

آن‌ها همواره به ما یادآوری کرده‌اند که مارکس جهانی سازی، یعنی فرآیند گسترش سرمایه‌های مالی جهانی را، در سال ۱۸۴۸ یعنی زمانی تشریح کرده بود که او و انگلس درباره‌ی چگونگی حرکت سرمایه به تمامی گوشه‌های جهان، و تغییر هر چیز مطابق میل خود در مانیفیست کمونیست می‌نوشتند. بنابراین دلیلی برای این غوغاهای تازه نیست. این نویسندگان نتیجه می‌گیرند که جهانی سازی نه تنها توسعه‌ی جدیدی نیست، بلکه بسیار قدیمی است و نظریه‌ی مارکسیستی آن را سال‌ها پیش نشان داده بود.



اشکالی که به این موضع گیری وارد است، این است که این مواضع به طور کلی نکته‌ی اصلی مبارزات جاری را ندیده می‌گیرد. این تنها حاکمیت ملی نیست که به خطر افتاده است، بلکه حاکمیت مردم است که پایمال می‌شود. میلیون‌ها نفر در تمام جهان برای اعتراض به موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد به خیابان‌ها ریخته‌اند. در میان آن‌ها کشاورزان، کارگران، دانشجویان و روشنفکران (از جمله بسیاری از مارکسیست‌ها که موضوع را روشن‌تر و بهتر از نام‌های ذکر شده می‌دیدند) و تمام کسانی حضور داشته‌اند که می‌دانند اتفاق جدیدی در شرف وقوع بوده است که به هیچ وجه مطلوب آنان نیست. جهانی سازی به مرحله‌ی جدیدی از استثمار جهانی گفته می‌شود که نه تنها تمایل دارد نقطه‌ی پایانی بر دولت - ملت‌ها بگذارد، بلکه می‌خواهد حقوق مردمی را زایل کند که برای حفظ فعالیت جامعه و محدود کردن قدرت شرکت‌های فراملیتی لازم است.

موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، در عمل تمامی قوانین و مقرراتی را غیر قانونی می‌کند که به نوعی سرمایه‌ی خصوصی را محدود کند. و این به معنای پایان حمایت‌های - اگرچه ناکافی است که مردم جهان طی نسل‌ها مبارزه به آن دست یافته‌اند. تحت موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، تمامی خدمات دولتی می‌تواند به علت «گرفتن فرصت بازار» از سرمایه‌ی خصوصی به تعلیق در آید. می‌توان بیمارستان‌های دولتی را هم به جرم «گرفتن بازار از بیمارستان‌های خصوصی» جریمه کرد، و سیستم آبرسانی دولتی، مدارس دولتی، کتاب‌خانه‌های دولتی، خانه‌های دولتی و حمل و نقل دولتی را به واسطه‌ی این‌که از همکاران خصوصی خود «فرصت بازار» را گرفته‌اند، گناه کار شمرد. از این دید وجود بیمه‌ی بهداشتی عمومی، پست عمومی و سیستم بیمه‌ی دولتی خودرو جرم تلقی می‌شود. قوانین بسیاری که برای حفاظت از محیط زیست، استانداردهای کار و یا سلامتی مصرف‌کنندگان، به تصویب رسیده بودند، با عنوان «ایجاد مانع» برای تجارت آزاد، لغو شده‌اند. چیز عمیق‌تر دیگری که لغو شده، حق داشتن چنین قوانینی است. این یکی از مهم‌ترین نکته‌ها در مسأله‌ی جهانی سازی است و موضوعی است که از منظر سیاسی بیش از هر چیز به چشم می‌آید. تحت لوای موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، حق مالکیت به سطحی جهانی ارتقا یافته که می‌تواند مقدم بر تمامی حقوق قرارگیرد، از جمله حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق داشتن خدمات عمومی و

حق داشتن کوچک‌ترین سهمی از دموکراسی اقتصادی. تنها حقی که به‌جای آن نشسته و جایگاهی مطلق پیدا کرده حق شرکت‌های خصوصی برای کسب سودهای عظیم است. و این حقی است که برای خفه کردن صدای مردم - یعنی آن‌هایی که مجبورند نیروی کار خود را بفروشند - و یا ایجاد مانع در گسترش خدمات عمومی برای آن‌ها، به‌کار گرفته می‌شود. حق آزادی سخن گفتن نیز نقض شده است چرا که می‌توان با برجسب «بی‌اعتبار کردن فرآورده‌های» یک شرکت و در نتیجه مخدوش کردن تجارت آزاد مورد تهدید قرار داد. کار به‌جایی کشیده که حتی خود طبیعت هم خصوصی‌سازی می‌شود و به انحصار شرکت‌های فراملیتی درمی‌آید.

به همین دلیل، مبارزه علیه تجارت آزاد، مبارزه‌ای است برای بر خورداری از حق دموکراسی سیاسی - اقتصادی، خدمات عمومی و حقوق اجتماعی، به عبارت دیگر این حق که نخواهیم در بست و تمام و کمال در خدمت سرمایه‌های بزرگ باشیم. این مرحله، مرحله‌ی جدید و مهمی از مبارزه‌ی طبقاتی است و به‌نظر می‌رسد برخی از مارکسیست‌ها - که به کلی در نظریه‌های کلاسیک مارکسیسم غرق شده‌اند و درک صحیحی از شرایط عمومی حاضر ندارند - هنوز متوجه آن نشده‌اند. همان‌طور که در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد مشخص شده است، جهانی‌سازی نه کاری به تجارت دارد و نه آزادی. تجارت آزاد تنها حافظ منافع کشورهای ثروتمند در مقابل کشورهای فقیر و طبقات ثروتمند به هزینه‌ی مردم کوچک و بازار در تمام کشورهاست. این شیخ جدیدی است که بر فراز دنیای کهنه‌ی ما پدیدار شده است.